

Presentation of Causal Model for Happiness Based on Identity Aspects by Mediating Achievement Goal Orientations

Naeimeh Kohoulat. M.A.
University of Shiraz

Bahram Jowkar. Ph.D.
University of Shiraz

Abstract

The goal of the present study, in the framework of a causal model, was to examine the relationship between identity aspects, goal orientations and affective components of happiness. Participants were 530 students (353 girls and 177 boys) selected from Shiraz University in academic year 2008-2009. The research instruments included Aspects of Identity Questionnaire (AIQ-TV) of Cheek, Smith & Tropp (2002), Achievement Goals Questionnaire of Elliot & McGregore (1991, 2001) and positive Affect and Negative Affect Scale (PANAS) of Watson, Clark & Tellegen (1985). To examine the reliability of measures Cronbach alpha coefficient, and to determine the validity, factor analysis method were applied. The hypothetical model tested by sequential simultaneous regression analyses, with the use of Baron and Kenny's (1986) steps. Results of the steps of path analysis showed that Goal orientations could be regarded as mediators between identity aspects and affective component of happiness and personal identity was most powerful mediator between mastery approach ($\beta=0.30, P<0.01$) and positive affect ($\beta=0.32, P<0.01$).

Keywords: Goal Orientations, Positive and Negative Affects, Identity Aspect

ارائه مدل علی برای شادی براساس ابعاد هویت با واسطه جهت‌گیری هدف

نعیمه کهولت*

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

بهرام جوکار
دانشگاه شیراز

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مؤلفه هیجانی شادی (عواطف مثبت و منفی)، ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف در قالب یک مدل علی است. شرکت‌کنندگان پژوهش ۵۳۰ (۳۵۳ دختر و ۱۷۷ پسر) دانشجوی دانشگاه شیراز سال تحصیلی ۸۸-۸۷ بودند. ابزار اندازه‌گیری شامل مقیاس ابعاد هویت (AIQ-TV) چیک، اسمیت و تروپ (۲۰۰۲)، مقیاس اهداف پیشرفت الیوت و مک‌گریگور (۱۹۹۹، ۲۰۰۱) و مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANAS) واتسون، کلارک و تلگن (۱۹۸۵) بود. پایایی پرسشنامه‌ها به روش آلفای کرونباخ و روایی آنها با استفاده از روش تحلیل عاملی محاسبه شد. مدل فرضی با استفاده از رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان و براساس روش مراحل بارون و کنی (۱۹۸۶) تحلیل گردید. نتایج حاصل از تحلیل مسیر در خصوص نقش واسطه‌گری جهت‌گیری هدف بین ابعاد هویت و شادی نشان‌دهنده نقش واسطه‌ای هر چهار جهت‌گیری هدف بود و از بین مسیرها، مسیر هویت شخصی به واسطه هدف تسلط - گرایشی ($\beta=0.30, P<0.01$) بر عاطفه مثبت ($\beta=0.32, P<0.01$) قوی‌ترین مسیر واسطه‌گری را نشان داد. **واژه‌های کلیدی:** جهت‌گیری هدف، عواطف مثبت و منفی، ابعاد هویت.

* نویسنده مسؤول: شیراز، دانشگاه شیراز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی تربیتی

پست الکترونیک (رایانامه): kohoulatn@yahoo.com

وصول ۹۰/۱۰/۲۷ پذیرش ۹۱/۴/۴

مقدمه

در چند دهه اخیر نظریه جهت‌گیری هدف^۱ (آیمز^۲، ۱۹۹۲؛ دوویک^۳، ۱۹۸۶؛ ماهر^۴، ۱۹۸۴؛ نیکلز^۵، ۱۹۸۴) به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های مهم در زمینه انگیزش پیشرفت و به‌خصوص انگیزش تحصیلی پدیدار شد (آندرمن و والترز^۶، ۲۰۰۶؛ الیوت^۷، ۲۰۰۵؛ به نقل از کاپلان^۸ و ماهر، ۲۰۰۷). طبق تعریف آیمز (۱۹۹۲) مفهوم جهت‌گیری هدف نشان‌دهنده الگوی منسجمی از باورها، اسنادها و هیجانات فرد است که سبب می‌شود تا فرد به طرق مختلف به موقعیت‌ها گرایش پیدا کند و در آن زمینه به فعالیت بپردازد و در نهایت پاسخی را ارائه دهد. در سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی به تبیین این سازه و همچنین پیشایندها^۹ (آیمز، ۱۹۹۲؛ مک‌اینرنی، راج، مک‌اینرنی و مارش^{۱۰}، ۱۹۹۷؛ مک‌اینرنی، هینکلی، داوسون و ون‌اتن^{۱۱}، ۱۹۹۸) و پیامدهای^{۱۲} (پیتتریچ و گارسیا^{۱۳}، ۱۹۹۱، ۱۹۹۴؛ الیوت و هاراکوئیکز^{۱۴}، ۱۹۹۶) آن پرداخته‌اند. پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که هدف‌گرایی پیامدهای شناختی، هیجانی و انگیزشی در افراد دارد. به‌عبارت دیگر جهت‌گیری هدف افراد هم عملکرد تحصیلی آنها و هم میزان رضایت و احساس شادمانی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو شناخت این‌گونه ارتباطات یکی از محورهای پژوهشی بوده است. اگرچه در خصوص پیامدهای شناختی و انگیزشی هدف‌گرایی شمار پژوهش‌ها کم نیست، اما این کمبود در حوزه رابطه جهت‌گیری هدف با شادی (به‌خصوص مؤلفه‌های هیجانی و شناختی آن)، به‌عنوان مهمترین شاخص هیجانی و سلامت روان در فراگیران، مشهود است. در حقیقت اگرچه برخی پژوهش‌ها به‌صورت پراکنده و ضمنی به این رابطه پرداخته‌اند (شلدون^{۱۵} و الیوت، ۱۹۹۰؛ کاپلان، میدلی و میدلتون^{۱۶}، ۲۰۰۱؛ سوینی، آرو و نیمیویرتا^{۱۷}، ۲۰۰۸؛ موراتیدیس، ونستینکیست، لنز و آویل^{۱۸}، ۲۰۰۹)، اما بررسی‌ها به‌صورت جامع و روشن صورت نگرفته است. به‌عنوان

مثال شلدون و الیوت (۱۹۹۰) در پژوهشی با ارائه مدل خودهماهنگ‌سازی^{۱۹}، برگرفته شده از نظریه خودتعیینی^{۲۰} دیسی و ریان^{۲۱} (۱۹۸۵)، تأثیر هدفمندی بر احساس بهکامی^{۲۲} را بررسی کردند، اما محدودیت عمده این پژوهش نبودن تمایز بین اهداف بود. در واقع در مدل شلدون و الیوت (۱۹۹۹) اهداف صرفاً از این نظر که خود فرد آنها را انتخاب کرده باشد اهمیت می‌یابند و توجهی به نوع آنها نشده است. بنابراین در این پژوهش با تعیین نوع اهداف در قالب الگوی چهاروجهی اهداف، سعی شد رابطه اهداف با شادی به‌طور خاص‌تر و روشن‌تر تبیین شود. علاوه بر این در بررسی‌های به عمل آمده و در خصوص پیشایندها یا پیش‌بینی‌کننده‌های هدف‌گرایی، به دو عامل فردی و محیطی اشاره شده است. از جمله عوامل فردی مؤثر بر این سازه، ساختار هویتی یا پنداره فرد از خودش است که تأثیر آن بر جهت‌گیری هدف به‌گونه‌ای ضمنی و نظری مورد تأیید قرار گرفته است (بویکرتس^{۲۳}، ۱۹۹۸، مارکوس و کیتایاما^{۲۴}، ۱۹۹۱، برور و گاردنر^{۲۵}، ۱۹۹۶، واس، هارتی، استاک-ادن و ایساکسون^{۲۶}، ۲۰۰۹؛ جوکار و لطیفیان، ۱۳۸۲). در این پژوهش‌ها (به استثنای پژوهش جوکار و لطیفیان، ۱۳۸۲) یا جهت‌گیری هدف به‌طور خاص مورد نظر نبوده است و فرایندها و کنش‌های شناختی - انگیزشی که در شکل‌گیری اهداف نقش دارند، بررسی شده‌اند و یا جهت‌گیری هدف در چارچوب مدل‌های اولیه بررسی شده است. بنابراین با توجه به اینکه در قالب مدل چهاروجهی اهداف، کمتر به عوامل شخصیتی و هویتی به‌عنوان عوامل فردی مؤثر بر جهت‌گیری هدف پرداخته شده است، در این پژوهش نقش ابعاد هویت در انواع جهت‌گیری بررسی شده است. دلیل انتخاب این عوامل آن بود که مطابق نظر مارکوس و کیتایاما (۱۹۹۱)، انگیزش و هیجانات فرد تحت تأثیر ساختار فرهنگی خود است که در ابعاد هویت تبلور می‌یابد. با نگاهی به مبانی نظری موجود، جهت‌گیری هدف به‌عنوان یک متغیر انگیزشی ممکن

1. goal Orientation Theory

3. Dweck

5. Nicholls

7. Elliot

9. antecedent

11. Hinkely, Dowson & Van Etten

13. Garcia

15. Sheldon

17. Soini, Aro & Niemivirta

19. self-concordance model

21. Deci & Ryan

23. Boekaerts

25. Brewer & Gardner

2. Ames

4. Maehr

6. Anderman & Wolters

8. Kaplan

10. McInerney, Roch, McInerney & Marsh

12. consequences

14. Harackiewicz

16. Midgley & Middleton

18. Mouratidis, Vansteenkiste, Lens & Auweele

20. self-determination

22. well-being

24. Kitayama

26. Was, Harthy, Stack-Oden & Isaacson

فرایندنگر (نظریه برزونسکی) و محتوانگر اشاره کرد. در سال‌های اخیر مطرح‌ترین این رویکردها، رویکرد محتوانگر دربارهٔ هویت بوده است. در این رویکرد محتوای خودپنداره و تشکیل آن را به دلیل آنکه خود^۱ تعدیل‌کننده و تنظیم‌کننده گسترهٔ وسیعی از رفتارها و عملکردهای انسان است، مهم می‌دانند (بامیستر^۱، ۱۹۹۹؛ مارکوس و ورف، ۱۹۸۷؛ نایسر^{۱۱}، ۱۹۹۱). محتوای خودپنداره در نظریه‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی تقسیم‌بندی شده است. به‌عنوان مثال چیک و همکارانش (چیک، ۱۹۸۹؛ چیک و همکاران، ۱۹۸۵، به نقل از لاتانن و کراکر^{۱۲}، ۱۹۹۲) محتوای هویت را با تفاوت قایل شدن بین سه جنبه از هویت مشخص می‌سازند که شامل هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت جمعی است. هویت شخصی از طریق نقشی که ارزش‌ها، باورها، هیجان‌ها و اهداف شخصی در شکل‌گیری هویت دارند، بررسی می‌شود. در مقابل هویت اجتماعی اشاره به خود در ارتباط با دیگران دارد (مانند حوزه‌های بین‌فردی) و به محبوبیت، شهرت، جذابیت و اعتبار شخص توجه می‌کند. بعد سوم هویت یعنی هویت جمعی به جنبه‌هایی از خودپنداره اشاره دارد که با زمینهٔ قومی-نژادی، مذهب، احساس تعلق به جامعه و نظایر آن در ارتباط است. در این پژوهش با تکیه بر نتایج پژوهش‌های جوکار (۱۳۸۱)، هویت جمعی با تفکیک آن به دو بعد هویت ملی و هویت مذهبی بررسی شده است.

همان‌گونه که گفته شد شادی متغیر درون‌زاد نهایی مدل این پژوهش بود. نظریه‌پردازان در تحلیل مفهوم شادی به دو مؤلفهٔ شناختی^{۱۳} و عاطفی^{۱۴} اشاره کرده‌اند (آرگیل^{۱۵}، ۲۰۰۱). مؤلفهٔ شناختی بر رضایت فرد از زندگی^{۱۶} (ارزیابی فرد مبتنی بر استانداردهای ذهنی خود) و مؤلفهٔ عاطفی بر توازن لذت^{۱۷} (تعادل بین هیجان‌های مثبت و منفی) (دینر^{۱۸}، ۲۰۰۰) و حالاتی نظیر خندیدن و شوخ‌طبعی (سلیگمن^{۱۹}، ۲۰۰۲) اشاره دارند. بنابراین رضایت از زندگی دلالت بر ارزیابی‌های شناختی در حوزه‌های مختلف نظیر خانواده، محیط زندگی، محیط کار، تحصیل و.... دارد. در خصوص مؤلفهٔ عاطفی یکی از عمده‌ترین بحث‌ها مسألهٔ پیوستار شادی است. در گذشته بیشتر

است نقش واسطه‌ای را بین ابعاد هویت (به‌عنوان پیشاینده جهت‌گیری هدف) و مؤلفهٔ هیجانی شادی (به‌عنوان پیامد هیجانی جهت‌گیری هدف) ایفا کند که در این پژوهش این الگو بررسی شد. در خصوص هدف‌گرایی (جهت‌گیری هدف)، یکی از جدیدترین تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی الیوت و همکارانش (الیوت و هاراکوئیکز، ۱۹۹۶؛ الیوت و چرچ^۱، ۱۹۹۷) است. الیوت بر این باور بود که مفهوم اساسی پیشرفت برابر است با شایستگی و در بحث از هدف‌گرایی نیز هدف نهایی رسیدن به شایستگی است و شایستگی خود دارای دو بعد تعریف^۲ (معیارهای شایستگی در نزد فرد) و جاذبه^۳ (اجتنابی یا گرایشی بودن برای شایستگی) است. الیوت و مک‌گریگور (۲۰۰۱) براساس دو بعد تعریف و جاذبه چهار نوع هدف‌گرایی را مطرح کردند که عبارت‌اند از: جهت‌گیری تسلط-گرایشی^۴، جهت‌گیری تسلط-پرهیزی^۵، جهت‌گیری عملکرد-گرایشی^۶ و جهت‌گیری عملکرد-پرهیزی^۷. در هدف تسلط-گرایشی افراد بر رشد شایستگی خود از طریق تسلط بر تکالیف و به‌دست آوردن مهارت‌های جدید تمرکز داشته و یادگیری را برای خود یادگیری دوست دارند (الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱، به نقل از جانسن و پرینز^۸، ۲۰۰۷). در جهت‌گیری هدف تسلط-پرهیزی، شایستگی به‌صورت دستیابی کامل به تکلیف تعریف می‌شود و این افراد برای اجتناب از شکست و خطا تلاش می‌کنند (الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱). افراد با جهت‌گیری هدف عملکرد-گرایشی، به واسطهٔ نشان دادن شایستگی برتر نسبت به دیگران و به‌دست آوردن قضاوت‌های مطلوب دربارهٔ پیشرفت‌هایشان برانگیخته می‌شوند و در هدف عملکرد-پرهیزی، افراد به واسطهٔ اجتناب از نشان دادن شایستگی پایین‌تر نسبت به دیگران و دریافت قضاوت‌های منفی دربارهٔ پیشرفت‌هایشان برانگیخته می‌شوند (الیوت، ۱۹۹۹؛ الیوت و چرچ، ۱۹۹۷؛ وندوال، ۱۹۹۷، به نقل از کاپلان و ماهر، ۲۰۰۷). در زمینهٔ هویت رویکردها و نظریات مختلفی مطرح شده‌اند و هر گروه از نظریه‌پردازان از منظرهای مختلف به شرح این سازه پرداخته‌اند که از این میان می‌توان به سه رویکرد وضعیت‌نگر (وضعیت‌های هویت مارسیا و اریکسون)،

1. Church
3. valence
5. mastery-avoidance
7. performance-avoidance
9. self
11. Neisser
13. cognitive component
15. Argyle
17. hedonic component
19. Seligman

2. definition
4. mastery-approach
6. performance-approach
8. Janssen & Prins
10. Baumeister
12. Luthanen & Crocker
14. affective component
16. life satisfaction
18. Diener

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه؛ روش این پژوهش از نوع همبستگی و جزء طرح‌های رگرسیونی است. جامعه پژوهش همه دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌های مختلف دانشگاه شیراز هستند که ۵۳۰ دانشجوی (۳۵۳ دختر و ۱۷۷ پسر) از دانشکده‌های علوم انسانی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، علوم پایه، مهندسی، کشاورزی و حقوق دانشگاه شیراز به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد. به این ترتیب که ابتدا از بین دانشکده‌ها، ۷ دانشکده و در هر دانشکده دو رشته به صورت تصادفی انتخاب گردید و از هر رشته یک کلاس به طور تصادفی انتخاب و سپس همه دانشجویان کلاس به صورت گروهی ارزیابی شدند.

ابزار سنجش

مقیاس اهداف پیشرفت^۱: به منظور تعیین جهت‌گیری هدف، با اقتباس از مقیاس‌های موجود (الیوت، ۱۹۹۹؛ الیوت و مک‌گریگور، ۲۰۰۱) پرسشنامه‌ای شامل ۲۴ گویه تهیه شد که چهار جهت‌گیری تسلط-گرایشی، تسلط-پرهیزی، عملکرد-گرایشی و عملکرد-پرهیزی را مورد سنجش قرار می‌دهند. در این مقیاس برای هر جهت‌گیری ۶ گویه در نظر گرفته شده و هر گویه ۵ گزینه (از کاملاً در مورد من صدق می‌کند تا اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند) دارد که پاسخ‌دهنده باید یکی از گزینه‌ها را انتخاب کند.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی^۷، با چرخش واریماکس وجود چهار عامل در گویه‌ها را تأیید کرد. ملاک استخراج عوامل شیب نمودار اسکری^۸ و ارزش ویژه^۹ بالاتر از یک بود. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۸۹ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۴۹۲۴/۱۷۷ ($P < ۰/۰۰۱$) بود که نشان‌دهنده کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها است. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب حاصل برای اهداف تسلط-گرایشی، تسلط-پرهیزی، عملکرد-گرایشی و عملکرد-پرهیزی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۷، ۰/۸۴ و ۰/۷۶ به دست آمد. دو نمونه از سؤالات این پرسشنامه به این شرح است: ۱- برای من مهم

نظریه‌پردازان بر این باور بودند که شادی مقابل غم است؛ اما در سال‌های اخیر بررسی‌های نظری و تجربی مؤید آن بوده است که عواطف مثبت و منفی مستقل از یکدیگر هستند و فرد می‌تواند همزمان آنها را تجربه کند. پژوهشگران در توجیه این استقلال به دو مؤلفه برانگیختگی^۱ و خوشایندی^۲ اشاره کرده‌اند؛ به این ترتیب که براساس تعامل این دو بعد عواطف از یکدیگر متمایز می‌باشند. آنها معتقدند عاطفه مثبت بالا نشان‌دهنده همه تجارب خوشایند نیست و فقط تجارب خوشایندی را شامل می‌شود که همراه با برانگیختگی بالاست و برعکس (واتسون، کلارک و تلگن^۳، ۱۹۸۵). پژوهش‌های زیست‌شناسی نیز نشان داده‌اند که سازوکارهای فیزیولوژیک در تجربه عواطف مثبت و منفی متفاوت هستند (دیویدسون، ۱۹۹۵، به نقل از برکویتز^۴، ۲۰۰۰). از دیدگاه تکاملی نیز هر یک از این عواطف کارکردهای ویژه‌ای دارند و جنبه‌های مختلف دستگاه عصبی زیست‌شناسی در افراد هستند. اگر عاطفه منفی بخشی از شبکه رفتار اجتنابی است که سعی می‌کند سازوکار را از موقعیتی که احتمال خطر در آن وجود دارد دور کند، در مقابل عاطفه مثبت بخشی از شبکه تسهیل‌کننده رفتاری است که سازوکار را به سمت موقعیت‌های پاداش‌دهنده که به لذت منجر می‌شوند، سوق می‌دهد (لوپز و اشنايدر^۵، ۲۰۰۲). در این پژوهش به بررسی مؤلفه هیجانی (عواطف مثبت و منفی) شادی پرداخته شد.

با توجه به مبانی نظری موجود در این پژوهش هدف‌گرایی به‌عنوان یک واسطه‌انگیزی بین ابعاد هویت و عواطف مثبت و منفی در نظر گرفته شد. به‌طور کلی این پژوهش بررسی کارایی یک مدل علی درباره رابطه هویت، انگیزش و شادی است. پاسخ به این پرسش که چگونه محتوای هویت یا خودارزیابی، نوع اهداف انتخابی فرد را متأثر می‌سازد و چگونه این عامل چه به صورت مستقیم و چه به صورت متوالی عواطف مثبت و منفی را پیش‌بینی می‌کند. به این ترتیب که ابعاد هویت به‌عنوان متغیر برون‌زاد، جهت‌گیری هدف به‌عنوان متغیر واسطه‌ای بین ابعاد هویت و مؤلفه عاطفی شادی به‌عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شدند. فرضیه اصلی پژوهش این بود که ابعاد هویت به‌واسطه انواع جهت‌گیری هدف پیش‌بینی‌کننده مؤلفه عاطفی شادی است.

1. arousal

3. Watson, Clark & Tellegan

5. Lopez & Snyder

7. principal component analysis

9. eigenvalue

2. pleasant

4. Berkowitz

6. achievement goals questionnaire

8. scree plot

فوق‌العاده‌ای دارد)، ۲- جذابیت در نزد دیگران، در شکل‌دهی هویت من (اهمیتی ندارد، اهمیت کمی دارد، تا حدودی اهمیت دارد، اهمیت بسیاری دارد، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد).

مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی^۳: واتسون، کلارک و تل‌گن^۴ (۱۹۸۵) این مقیاس را به منظور سنجش مؤلفه عاطفی شادی که توازن عاطفه مثبت و منفی است ساخته‌اند. سازندگان این مقیاس به منظور برآوردن نیاز به یک مقیاس پایا و معتبر که هم خلاصه و هم قابل اجرا باشد، مقیاسی ۲۰ ماده‌ای را تدوین کردند که ۱۰ ماده آن مربوط به حالات مثبت و ۱۰ ماده مربوط به حالات منفی است. آزمودنی‌ها بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از اصلاً تا بسیار زیاد، مشخص می‌کنند که هر یک از حالات مثبت و منفی تا چه اندازه در مورد آنها مصداق دارد.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود که براساس این ملاک‌ها ۲ عامل استخراج شد. پرسش‌های ۳ و ۴ به دلیل تداخل گویه‌ای و پرسش ۱۰ به دلیل پایین بودن بار عاملی از مجموع پرسش‌ها حذف و در نهایت ۲ عامل عاطفه مثبت با ۸ گویه و عاطفه منفی با ۹ گویه در پرسشنامه سنجیده شدند. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۸۷ و ضریب کرویت بارتلت برابر ۳۹۱۳/۵۱۰ ($P < ۰/۰۰۱$) بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری پرسش‌ها و همبستگی ماتریس پرسشنامه داشت. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب پایایی برای عاطفه مثبت و عاطفه منفی به ترتیب برابر ۰/۸۷ و ۰/۸۱ به دست آمد. دو نمونه از سؤالات پرسشنامه به این شرح است: ۱- علاقه‌مند (اصلاً، کمی، متوسط، زیاد، بسیار زیاد)، ۲- عصبی (اصلاً، کمی، متوسط، زیاد، بسیار زیاد).

روش اجرا و تحلیل

پرسشنامه پژوهش به شیوه خودگزارش‌دهی در فاصله زمانی ۱۵ تا ۲۰ دقیقه پاسخ داده شد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS16 به بررسی یافته‌های توصیفی، آزمون تی (برای مقایسه دختران و پسران در متغیرهای پژوهش) و تحلیل رگرسیون (برای بررسی مسیرهای موجود در مدل) پرداخته شد. همچنین برای تعیین کارایی مدل از نرم‌افزار «LISREL8/50» استفاده گردید.

است که عملکرد بهتری نسبت به بقیه دانشجویان داشته باشم، ۲- می‌ترسم اگر از استاد یک سؤال عامیانه بپرسم، فکر کند فرد باهوشی نیستم.

مقیاس ابعاد هویت (AIQ-IV)^۱: هاشمی (۱۳۸۴) با اقتباس از فرم چهارم پرسشنامه AIQ-IV ویرایش ششم که چیک، اسمیت و تروپ^۲ (۲۰۰۲) به منظور سنجش ابعاد هویت فردی، اجتماعی، جمعی و ارتباطی طراحی کرده است، پرسشنامه‌ای با ۳۷ گویه تهیه کرد که هویت را در ابعاد شخصی، اجتماعی، ارتباطی، قومی-نژادی و ملی-مذهبی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این پرسشنامه ۸ گویه هویت شخصی، ۶ گویه هویت اجتماعی، ۸ گویه هویت ارتباطی، ۷ گویه هویت ملی-مذهبی و ۸ گویه هویت قومی-نژادی را می‌سنجد و درجه‌ی اهمیت هر گویه روی مقیاسی ۵ درجه‌ای (از اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد تا اهمیت ندارد) مشخص می‌گردد. با توجه به نتایج پژوهش هاشمی (۱۳۸۴) و به دلیل پایین بودن روایی و پایایی گویه‌های ارتباطی و قومی-نژادی، در این پژوهش این ابعاد از هویت مورد استفاده قرار نگرفتند و بعد هویت ملی-مذهبی نیز در قالب دو بعد مجزا شامل هویت ملی و هویت مذهبی مورد بررسی واقع شدند. در مجموع ۲۹ گویه که ابعاد هویت شخصی، اجتماعی، ملی و مذهبی را می‌سنجد، مورد استفاده این پژوهش قرار گرفتند.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود که براساس این ملاک‌ها ۳ عامل استخراج گردید. پرسش ۱۷ به دلیل تداخل گویه‌ای از مجموع سؤالات حذف شد و در نهایت ۴ عامل هویت شخصی با ۹ گویه، هویت اجتماعی با ۵ گویه، هویت ملی و هویت مذهبی هر کدام با ۷ گویه در پرسشنامه سنجیده شدند. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۸۹ و ضریب کرویت بارتلت ۶۹۴۸/۴۴۲ ($P < ۰/۰۰۱$) بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری پرسش‌ها و همبستگی ماتریس پرسشنامه داشت. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضرایب حاصل به ترتیب برای هویت شخصی، هویت اجتماعی، هویت ملی و هویت مذهبی ۰/۷۹، ۰/۷۹، ۰/۸۶ و ۰/۹۱ بود. دو نمونه از پرسش‌های این شاخص به این صورت است: ۱- شهرتم در نزد دیگران، در شکل‌دهی هویت من (اهمیتی ندارد، اهمیت کمی دارد، تا حدودی اهمیت دارد، اهمیت بسیاری دارد، اهمیت

1. aspects of identity questionnaire

3. Positive Affect and Negative Affect Scale (PANAS)

2. Cheek, Smith & Tropp

4. Watson, Clark & Tellegan

یافته‌ها

به منظور بررسی ارتباط میان متغیرهای پژوهش ابتدا همبستگی میان این ابعاد محاسبه گردید. در جدول ۱ ماتریس همبستگی مرتبه این متغیرها صفر آورده شده است. همان‌گونه که یافته‌های این جدول نشان می‌دهد، همبستگی متغیرهای وابسته مدل (عواطف مثبت و منفی) با سایر متغیرها در بیشتر موارد معنادار بوده است.

به منظور پاسخگویی به فرضیه پژوهش و بررسی ساختار ارتباطی متغیرهای موجود در مدل مورد نظر و میزان قدرت پیش‌بینی متغیر برون‌زاد (ابعاد هویت) و متغیر واسطه‌ای (جهت‌گیری هدف) روی متغیرهای درون‌زاد (عواطف مثبت و منفی) از روش آماری تحلیل مسیر^۱ با استفاده از رگرسیون چندگانه به روش متوالی همزمان^۲ براساس مراحل بارون و کنی^۳ استفاده شد. برای بررسی مسیرهای موجود در مدل مراحل زیر اجرا شد:

- ۱- رگرسیون ابعاد هویت بر عواطف مثبت و منفی
- ۲- رگرسیون ابعاد هویت بر جهت‌گیری هدف
- ۳- رگرسیون همزمان متغیرهای ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف بر عواطف مثبت و منفی
- ۴- برای تعیین واسطه‌گری جهت‌گیری هدف بین ابعاد هویت و عواطف مثبت و منفی، مرحله ۳ با ۱ مقایسه گردید. جدول‌های ۲، ۳، ۴ و ۵، نتایج مربوط به این مراحل را نشان داده‌اند. یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که برای عاطفه مثبت، از میان ابعاد هویت دو بعد هویت شخصی و مذهبی به‌طور مثبت و بعد هویت اجتماعی به صورت منفی از قدرت پیش‌بینی معنادار برخوردار بودند. همچنین هویت اجتماعی به‌طور مثبت و معناداری پیش‌بینی‌کننده عاطفه منفی است. همان‌گونه که یافته‌های جدول‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهند، برای هدف عملکرد-گرایشی دو بعد هویت اجتماعی و مذهبی به‌صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی‌کننده بوده‌اند. بعد هویت شخصی به‌صورت مثبت و معنادار توانست هدف تسلط - گرایشی را پیش‌بینی کند. در خصوص هدف عملکرد - پرهیزی بعد هویت شخصی اثر منفی و ابعاد هویت اجتماعی و مذهبی اثر مثبت و معناداری بر این هدف دارند. همچنین ابعاد هویت اجتماعی و مذهبی هدف تسلط - پرهیزی را به‌صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی کرده‌اند.
- با مقایسه نتایج به‌دست آمده از بررسی مدل پژوهش، در خصوص متغیر ابعاد هویت می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

هویت شخصی به‌طور مستقیم بر هدف تسلط - گرایشی و همچنین عاطفه مثبت اثر مثبت و بر هدف عملکرد - پرهیزی اثر منفی می‌گذارد. به علاوه هویت شخصی به واسطه هدف تسلط - گرایشی عاطفه مثبت را به گونه مثبت و عاطفه منفی را به گونه منفی و با واسطه هدف عملکرد - پرهیزی عاطفه مثبت را به گونه مثبت پیش‌بینی می‌کند.

هویت اجتماعی به‌طور مستقیم بر اهداف عملکرد - گرایشی، عملکرد - پرهیزی و تسلط - پرهیزی و همچنین بر عاطفه منفی اثر مثبت و بر عاطفه مثبت اثر منفی می‌گذارد. به علاوه هویت اجتماعی به واسطه هدف عملکرد - مؤلفه عاطفه مثبت را به گونه مثبت، به واسطه هدف عملکرد - پرهیزی مؤلفه عاطفه منفی را به گونه مثبت و به واسطه هدف تسلط - پرهیزی مؤلفه عاطفه منفی را به گونه مثبت و عاطفه مثبت را به گونه منفی پیش‌بینی می‌کند.

در نهایت هویت مذهبی به‌طور مستقیم بر اهداف عملکرد - گرایشی، عملکرد - پرهیزی، تسلط - پرهیزی و عاطفه مثبت به گونه مثبت اثر می‌گذارد. به علاوه این بعد از هویت به واسطه هدف عملکرد - گرایشی مؤلفه عاطفه مثبت را به گونه مثبت، به واسطه هدف عملکرد - پرهیزی عاطفه منفی را به صورت مثبت و به واسطه هدف تسلط - پرهیزی عاطفه مثبت را به گونه منفی و عاطفه منفی را به گونه مثبت پیش‌بینی می‌کند.

علاوه بر این براساس نتایج به‌دست آمده از بررسی مدل پژوهش و در خصوص متغیر جهت‌گیری هدف می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

هدف عملکرد-گرایشی عاطفه مثبت را به گونه مثبت پیش‌بینی می‌کند.

هدف تسلط-گرایشی عاطفه مثبت را به گونه مثبت و عاطفه منفی را به گونه منفی پیش‌بینی می‌نماید.

هدف عملکرد - پرهیزی عاطفه منفی را به گونه مثبت پیش‌بینی می‌کند.

در نهایت هدف تسلط - پرهیزی عاطفه مثبت را به گونه منفی و عاطفه منفی را به گونه مثبت پیش‌بینی می‌کند. براساس این نتایج مدل پژوهشی در نمودار ۱ آورده شده است.

به‌منظور تعیین شاخص‌های برازش مدل از نرم‌افزار «LISREL/50» استفاده شد. بر این اساس مقدار شاخص خی‌دو برابر با $198/60$ ($P < 0/01$) و شاخص‌های GFI^4 ، $AGFI^5$ ، IFI^6 و CFI^7 به ترتیب برابر $0/92$ ، $0/82$ ، $0/80$ و $0/80$ حاصل شد که نشان از برازش مطلوب مدل پژوهش بود.

1. path analysis

3. Baron & Kenny steps

5. Adjusted Goodness of Fit Index

7. Camparative Fit Index

2. sequential simultaneous regression analyses

4. Goodness of Fit Index

6. Incremental Fit Index

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	میانگین	انحراف معیار
۱- تسلط - گرایشی	۱										۲۳	۴/۲
۲- تسلط - پرهیزی	۰/۲۵**	۱									۱۸/۷	۴/۶
۳- عملکرد - گرایشی	۰/۴۵**	۰/۳۴**	۱								۱۹/۹	۵
۴- عملکرد - پرهیزی	-۰/۱۳**	۰/۵۲**	۰/۲۷**	۱							۱۶/۲	۴/۴
۵- هویت شخصی	۰/۲۹**	۰/۰۳	۰/۱۷**	-۰/۱۰*	۱						۳۵/۲	۴/۹
۶- هویت اجتماعی	۰/۰۱	۰/۱۴**	۰/۲۴**	۰/۲۳**	۰/۳۳**	۱					۱۶/۶	۴
۷- هویت ملی	۰/۱۵**	۰/۰۵	۰/۱۹**	۰/۰۵	۰/۲۰**	۰/۱۱*	۱				۱۹/۸	۶/۳
۸- هویت مذهبی	۰/۱۱*	۰/۱۳**	۰/۲۰**	۰/۱۰*	۰/۱۴**	۰/۰	۰/۴۷**	۱			۲۳	۷/۳
۹- عاطفه مثبت	۰/۳۹**	-۰/۰۸	۰/۲۳**	-۰/۲۱**	۰/۳۷**	-۰/۰	۰/۲۰**	۰/۲۱**	۱		۲۷/۲	۵/۲
۱۰- عاطفه منفی	-۰/۱۲**	۰/۲۸**	۰/۱۱*	۰/۳۰**	۰/۰۸	۰/۳۰**	۰/۰	۰/۰۳	-۰/۱۹**	۱	۲۴/۳	۷/۷

جهت‌گیری هدف

ابعاد هویت

مؤلفه‌های شادی

*P<۰/۰۵

** P<۰/۰۰۱

جدول ۲- میزان پیش‌بینی عواطف مثبت و منفی بر اساس ابعاد هویت

سطح معناداری	متغیر وابسته: عاطفه منفی					متغیر وابسته: عاطفه مثبت					متغیر پیش‌بین	
	t	ضریب	B	ضریب تعیین	همبستگی	سطح معناداری	t	ضریب	B	ضریب تعیین		همبستگی
n.s.	۰/۸۶	-۰/۰۴	-۰/۰۶			۰/۰۰۱	۸/۱۰	۰/۳۸	۰/۳۹			شخصی
۰/۰۰۱	۶/۹۷	۰/۳۴	۰/۶۳			۰/۰۰۱	۳/۴۷	-۰/۱۶	-۰/۲۱			اجتماعی
n.s.	۰/۷۴	-۰/۰۴	-۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۳۳	n.s.	۱/۸۵	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۸	۰/۴۳	ملی
n.s.	۰/۶۳	۰/۰۳	۰/۰۳			۰/۰۱	۲/۳۸	۰/۱۲	۰/۰۸			مذهبی

جدول ۳- میزان پیش‌بینی اهداف عملکرد - گرایش و تسلط - گرایشی بر اساس ابعاد هویت

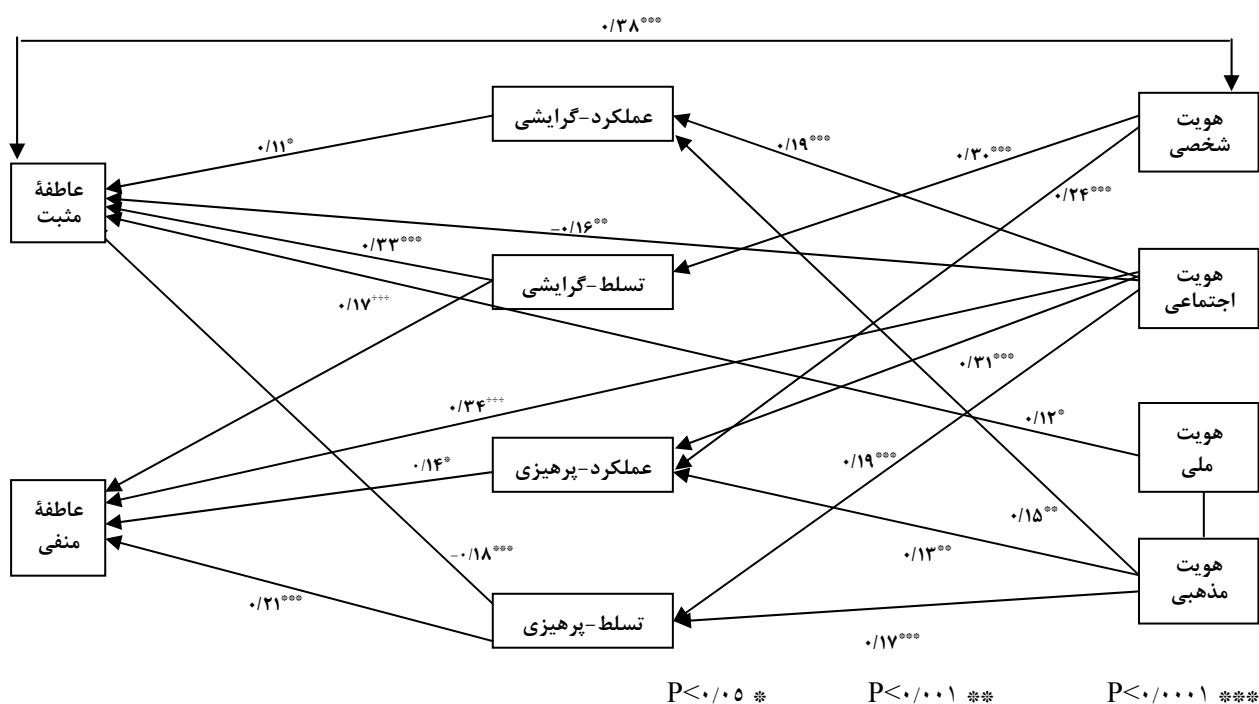
سطح معناداری	متغیر وابسته: هدف تسلط - گرایشی					متغیر وابسته: هدف عملکرد - گرایشی					متغیر پیش‌بین	
	t	ضریب	B	ضریب تعیین	همبستگی	سطح معناداری	t	ضریب	B	ضریب تعیین		همبستگی
۰/۰۰۱	۶/۲۲	۰/۳۰	۰/۲۶			n.s.	۱/۹۰	۰/۰۹	۰/۰۹			شخصی
n.s.	۱/۵۶	-۰/۰۸	-۰/۰۸			۰/۰۰۱	۳/۹۲	۰/۱۹	۰/۲۴			اجتماعی
n.s.	۱/۳۴	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۳۲	n.s.	۱/۰۹	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۳۱	ملی
n.s.	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۰۳			۰/۰۱	۲/۹۳	۰/۱۵	۰/۱۰			مذهبی

جدول ۴- میزان پیش بینی اهداف عملکرد - پرهیزی و تسلط - پرهیزی بر اساس ابعاد هویت

سطح معناداری	متغیر وابسته: هدف تسلط - پرهیزی				متغیر وابسته: هدف عملکرد - پرهیزی				متغیر پیش بین		
	t	ضریب بتا	B	ضریب تعیین	سطح معناداری	t	ضریب بتا	B			ضریب تعیین
n.s.	۰/۹۹	-۰/۰۵	-۰/۰۵		۰/۰۰۱	۴/۷۶	-۰/۲۴	-۰/۲۱		شخصی	ابعاد هویت
۰/۰۰۱	۳/۷۹	۰/۱۹	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۲۲	۰/۰۰۱	۶/۳۴	۰/۳۱	۰/۳۵	اجتماعی	
n.s.	۱/۱۳	-۰/۰۶	-۰/۰۴		n.s.	۰/۰۷	-۰/۰۰	-۰/۰۰		ملی	
۰/۰۰۱	۳/۲۰	۰/۱۷	۰/۱۱		۰/۰۱	۲/۵۶	۰/۱۳	۰/۰۸		مذهبی	

جدول ۵- میزان پیش بینی عواطف مثبت و منفی براساس ابعاد هویت و جهت گیری هدف

سطح معناداری	عاطفه منفی				عاطفه مثبت				متغیرهای پیش بین				
	t	ضریب بتا	B	ضریب تعیین	سطح معناداری	t	ضریب بتا	B			ضریب تعیین		
n.s.	۰/۸۶	۰/۰۵	۰/۰۷		۰/۰۰۱	۵/۱۲	۰/۲۵	۰/۲۵		شخصی	ابعاد هویت		
۰/۰۰۱	۴/۸۹	۰/۲۵	۰/۴۸		۰/۰۱	۲/۵۴	-۰/۱۲	-۰/۱۵		اجتماعی			
n.s.	۰/۵۶	-۰/۰۳	-۰/۰۳		n.s.	۰/۶۱	۰/۰۳	۰/۰۲		ملی			
n.s.	۰/۸۴	-۰/۰۴	-۰/۰۵		۰/۰۱	۲/۸۸	۰/۱۴	۰/۰۹		مذهبی	جهت گیری های هدف		
n.s.	۰/۳۸	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۲۲	۰/۴۷	۰/۰۵	۲/۰۸	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۳۳		۰/۵۱	عملکرد - گرایشی
۰/۰۱	۲/۸۹	-۰/۱۷	-۰/۳۰		۰/۰۰۱	۶/۱۲	۰/۳۳	۰/۳۸		تسلط - گرایشی			
۰/۰۵	۲/۳۳	۰/۱۴	۰/۲۳		n.s.	۱/۱۷	-۰/۰۶	-۰/۰۷		عملکرد - پرهیزی			
۰/۰۰۱	۳/۵۶	۰/۲۱	۰/۳۴		۰/۰۰۱	۳/۳۴	-۰/۱۸	-۰/۲۰		تسلط - پرهیزی			



نمودار ۱- مدل پژوهش (بررسی تأثیر ابعاد هویت بر عواطف مثبت و منفی با واسطه جهت‌گیری هدف)

بحث

همان‌گونه که گفته شد هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای جهت‌گیری هدف بین ابعاد هویت و مؤلفه هیجانی شادی (عواطف مثبت و منفی) بود. در مجموع یافته‌های حاصل از ضرایب همبستگی و معادلات رگرسیون مؤید فرضیه پژوهش بودند. به عبارت دیگر محتوای هویت افراد ممکن است با تأثیر بر انگیزه پیشرفت آنان تغییراتی را در میزان شادی به وجود آورد. در حقیقت نوع ادراک فرد از خود یا ساختار هویتی، فرایندهای شناختی - انگیزشی را که در قالب سازه‌ای مانند جهت‌گیری هدف نمود می‌یابند، تحت تأثیر قرار می‌دهد و هدف افراد نیز اگر به سمت تسلط و یادگیری مطالب میل نماید به افزایش عواطف مثبت و اگر به سوی پرهیز از شکست جهت‌گیری شود به افزایش عواطف منفی می‌انجامد. در ادامه این روابط با تفصیل بیشتر مورد کنکاش قرار گرفته‌اند.

در خصوص هویت شخصی این هویت هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم از طریق هدف تسلط - گرایشی پیش‌بینی‌کننده شادی است. این یافته به آن معناست که فرد با جهت‌گیری هویت شخصی خود را براساس مجموعه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد چون توانایی‌ها، صفات، نگرش‌ها، ارزش‌ها و انگیزه‌ها تعریف می‌کند و همین خودآگاهی از ویژگی‌های درونی که برای فرد ارزش دارد، عواطف مثبت را

در او ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر تکیه بر ویژگی‌های فردی در هویت شخصی سوق‌دهنده فرد به سمت مشکلات و تلاش محوری که خصیصه افراد با هدف تسلط - گرایشی است می‌شود و از سوی دیگر با توجه به نظریه خود - تعیینی دیسی و ریان (۱۹۸۵) و مدل خودهماهنگ‌سازی یا خودجوشی^۱ شلدون و الیوت (۱۹۹۹)، عمل مبتنی بر اراده موجب خرسندی است. اراده نیز قدرت انتخاب و پیگیری اهداف فرد را تفسیر می‌کند که این اعمال سه نیاز اساسی انسان یعنی شایستگی^۲، خودمختاری^۳ و وابستگی^۴ به دیگران را برآورده می‌سازد و ارضای این نیازها موجب پرورش کامیابی و شادمانی در انسان می‌گردد. اگر اهداف انتخابی ارضاکنده نیازها باشند، شادی به دنبال خواهند داشت. بنابراین می‌توان گفت افراد با جهت‌گیری هدف تسلط- گرایشی از آنجا که سخت‌تر و دقیق‌تر تلاش می‌کنند، احتمالاً احساس شایستگی بیشتری دارند و از آنجا که این هدف نیازمند جوشش درونی و انتخاب آزاد برای افراد است، موجب ارضای خودمختاری در فرد می‌شود. افراد با هدف تسلط - گرایشی احتمالاً ارتباط قوی‌تری با دیگران دارند و به دنبال برتری بر دیگران نیستند. به همین دلیل در ارتباط با دیگران احساس رضایت بیشتری دارند. در خصوص نقش واسطه‌گری جهت‌گیری عملکرد - پرهیزی بین هویت شخصی و شادی می‌توان گفت، فرد با

1. self- determination
3. competency
5. relatedness

2. self- concordance model
4. autonomy

این است که این هدف احتمالاً از یک سو ارضاکننده برخی نیازها و از سوی دیگر بازدارنده بعضی نیازهای اساسی است، به همین دلیل همچون هدف عملکرد- پرهیزی تأثیر منفی بر شادی ندارد و مانند هدف تسلط- گرایشی نیز پیش‌بینی‌کننده قوی شادی نیست. باید توجه داشت که این هدف از نظر مبانی، انرژی خود را از ترس از شکست تأمین می‌کند (الیوت و چرچ، ۱۹۹۷) و از نظر جنبه‌های اضطرابی همراه با جنبه‌های رقابتی اجازه برآورده شدن برخی نیازهای اساسی را فراهم نمی‌کند.

یافته‌ها همچنین نشان داد که هویت اجتماعی با واسطه هدف عملکرد- پرهیزی پیش‌بینی‌کننده منفی برای شادی است. در این رابطه این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که فرد با جهت‌گیری هویت اجتماعی به دلیل تأکید بر دیگران و روابط اجتماعی‌اش با دیگران و برداشت‌های آنها نسبت به خود تمرکز زیادی دارد و بنابراین در زمینه اهداف پیشرفت نیز از شکست و نگرسته‌شدن به عنوان فردی کندآموز ترس دارد و دایم نگران این مسأله است که دیگران او را سرزنش کنند. در نتیجه این فرد یادگیری را به‌عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از شکست می‌داند که این ویژگی‌ها مطابق با ویژگی‌های افراد با جهت‌گیری عملکرد- پرهیزی هستند. از سوی دیگر همان‌گونه که گفته شد به دلیل ناهماهنگی چنین هدفی با خود واقعی، ارضا نشدن نیازهای روانی اساسی با این هدف و نداشتن اعتماد به نفس رابطه منفی این نوع هدف با شادی قابل توجیه است.

علاوه بر این هویت اجتماعی به واسطه هدف تسلط- پرهیزی عاطفه مثبت را به گونه منفی پیش‌بینی می‌کند. در این خصوص و با توجه به آنچه در زمینه ساختار همبسته خود در نظریه مارکوس و کیتایاما (۱۹۹۱) گفته شد، می‌توان بیان داشت که ویژگی افراد با جهت‌گیری هویت اجتماعی که بر تلاش در عوض توانایی تأکید می‌کنند، مطابق با ویژگی افرادی که جهت‌گیری تسلط‌محور دارند و به اتخاذ هدف تسلط- پرهیزی در فرد منجر می‌شود و از آنجا که در این جهت‌گیری افراد سعی در اجتناب از شکست دارند و در پی آن هستند که تکالیف را به‌طور کامل انجام دهند، بنابراین شکل‌گیری هدف تسلط- پرهیزی ممکن است باعث کاهش عواطف مثبت در افراد شود.

در خصوص هویت مذهبی همان‌گونه که ضرایب نشان می‌دهند، این بعد از هویت هم به‌صورت مستقیم پیش‌بینی‌کننده شادی است و هم به‌صورت غیرمستقیم با واسطه هدف عملکرد- گرایشی عاطفه مثبت را به گونه مثبت با واسطه هدف عملکرد- پرهیزی و عاطفه منفی را به گونه مثبت با واسطه هدف تسلط- پرهیزی و عاطفه مثبت را به گونه منفی و عاطفه منفی را به گونه مثبت پیش‌بینی می‌کند. در رابطه با تأثیر مثبت

هویت شخصی به دلیل تأکید بر توانایی‌ها و ویژگی‌های درونی به‌دنبال دستیابی به اهداف شخصی خود است و در برخورد با تکالیف یادگیری نیز از هدف عملکرد- پرهیزی اجتناب می‌کند. به‌عبارت دیگر هرچه هویت شخصی در فرد قوی‌تر باشد، گرایش او به تأکید بر هدف عملکرد- پرهیزی کاهش می‌یابد و برعکس اگر فرد از هویت شخصی ضعیفی برخوردار باشد، به سمت جهت‌گیری عملکرد- پرهیزی گرایش می‌یابد و اگرچه این اهداف را خود فرد انتخاب و دنبال می‌کند، ولی رسیدن به آنها برای فرد قانع‌کننده نیست. بنابراین مطابق مدل خودتعیینی دیسی و ریان (۱۹۸۵) و خودهمانگ‌سازی شلدون و الیوت (۱۹۹۹)، این اهداف، اهداف هماهنگ با خود واقعی نیست و در نتیجه ارضاکننده نیازهای روانی فرد (شایستگی، خودمختاری و وابستگی به دیگران) نیستند، این امر سبب می‌شود تا چنین فردی احساس شادکامی نداشته باشد و این جهت‌گیری به افزایش عواطف منفی در او منجر گردد.

همچنین براساس ضرایب حاصل در مدل در خصوص هویت اجتماعی یافته‌ها نشان می‌دهند که این بعد از هویت هم به‌صورت مستقیم پیش‌بینی‌کننده منفی برای شادکامی است، چنانکه عاطفه مثبت را به‌صورت منفی و عاطفه منفی را به گونه مثبت پیش‌بینی می‌کند، و هم به‌صورت غیرمستقیم و با واسطه هدف عملکرد- گرایشی عاطفه مثبت را به گونه مثبت و با واسطه هدف عملکرد- پرهیزی عاطفه منفی را به گونه مثبت و به واسطه هدف تسلط- پرهیزی عاطفه مثبت را به گونه منفی پیش‌بینی می‌کند.

در رابطه با تأثیر مستقیم هویت اجتماعی بر شادی باید گفت اگر افراد خودشان را براساس روابط رودرو و تعلقات اجتماعی در هویت اجتماعی تعریف کنند، این امر باعث شکل‌گیری «مقایسه اجتماعی» می‌شود که براساس نظر شلدون و الیوت (۱۹۹۹) این مقایسه‌ها در عین حال که می‌توانند انگیزه ایجادکنند، باعث به وجود آمدن تنش در افراد می‌شوند و بنابراین از نظر هیجانی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در خصوص نقش واسطه‌ای هدف عملکرد- گرایشی می‌توان گفت فرد با محتوای هویت اجتماعی با تأکید بر دیگران و ارتباطات اجتماعی‌اش و با توجه به اینکه دیگران و برداشت‌های آنها نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و پاسخ به اینکه «من کیستم» دارند، در خصوص اهداف پیشرفت نیز به دنبال مقایسه خود با دیگران، برتری‌جویی و اثبات جایگاه خود در میان جمع (ویژگی افراد با هدف عملکرد- گرایشی) است که با تحقق این امور عواطف مثبت در فرد ایجاد می‌شود. نکته‌ای که در اینجا و در خصوص نقش پیش‌بینی‌کنندگی هدف عملکرد- گرایشی برای عاطفه مثبت باید در نظر گرفت

این پژوهش فقط دانشجویان بودند، بنابراین تعمیم نتایج به سایر اقشار جامعه و گروه‌های سنی باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین از آنجا که مقیاس استفاده‌شده برای سبک‌های هویت را پژوهشگران غربی ساخته‌اند و به دلیل وجود تفاوت‌های فرهنگی بین کشورهای غربی و کشورمان ایران به‌خصوص در زمینه هویت، بعضی از پرسش‌های مربوط به سبک‌های مختلف این مقیاس با یکدیگر همپوشی زیادی نشان می‌دادند. با در نظر گرفتن این محدودیت پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از پرسشنامه‌های بومی استفاده شود.

در پایان پیشنهاد می‌شود که مدل استفاده‌شده در پژوهش با بهره‌گیری از ابزارهای گردآوری مختلف و نیز برخورداری از ویژگی‌های انطباق فرهنگی مورد آزمون قرار گیرد و به منظور گسترش مدلی وسیع‌تر و کامل‌تر متغیرهای دیگری در رابطه با جهت‌گیری هدف سنجیده شوند (از جمله می‌توان متغیرهایی چون سبک اسناد، خودتنظیمی، جهت‌گیری‌های علیت و رابطه آنها را با جهت‌گیری هدف بررسی کرد).

منابع

جوکار، ب. (۱۳۸۱). بررسی ساختار ارتباطی باورهای فرد پیرامون توانایی، ساختار کلاس، هدف‌گرایی و پیامدهای تحصیلی. پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

جوکار، ب و لطیفیان، م. (۱۳۸۲). بررسی رابطه ابعاد هویت با جهت‌گیری هدف در دانش‌آموزان شهر شیراز و یاسوج. مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز. دوره بیست و پنجم، شماره چهارم، ص ۲۸-۴۶.

هاشمی، ز. (۱۳۸۴). بررسی رابطه جهت‌گیری‌های مذهبی (اسلامی) با ابعاد هویت و سبک‌های هویت در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۴-۸۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

Abu-Rayya, H.M., & Abu-Rayya, M.H. (2009). Acculturation, religious identity, and psychological well-being among Palestinians in Israel. *International Journal of Intercultural Relation*, 33, 325-331.

Ames, C. (1992a). Classrooms: Goal structures and student motivation. *Journal of Educational Psychology*, 84, 261-271.

Argyle, M. (2001). *The Psychology of Happiness*. London: Routledge.

Baumeister, R.F. (1999). *The self in social psychology*. PA: Psychology Press.

Baron, R. M., & Kenny, D.A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.

و مستقیم هویت مذهبی بر عاطفه مثبت می‌توان گفت که جهت‌گیری فرد به سمت این نوع هویت باعث شکل‌گیری نوعی آرامش روحی و اطمینان قلبی در او می‌شود که این امر ممکن است عواطف مثبتی را در فرد ایجاد کند و به‌طور کلی به شادمانی بیشتر فرد منجر شود. در زمینه نقش واسطه‌ای اهداف عملکردی (عملکرد - گرایش و عملکرد - پرهیزی) بین هویت مذهبی و شادی می‌توان بیان داشت که ویژگی افراد با جهت‌گیری هویت مذهبی (به‌عنوان شاخصه هویت جمعی) تعریف خود بر مبنای تعلقات گروهی نظیر وابستگی‌های مذهبی است. بنابراین این احساس تعلق و وابستگی سبب می‌شود که نحوه قضاوت دیگران برای فرد مهم شود. بنابراین چنین افرادی در حیطه اهداف پیشرفت نیز به سمت اهداف عملکردی که در آنها اثبات شایستگی خود به دیگران و نحوه قضاوت دیگر افراد نسبت به خود محور اساسی است، گرایش پیدا می‌کنند و همان‌گونه که گفته شد تحقق شایستگی و برتری‌جویی در میان جمع (ویژگی افراد با هدف عملکرد - گرایش) عواطف مثبتی را در فرد ایجاد می‌نماید، اما نگرانی فرد از قضاوت‌های منفی دیگران راجع به خود (ویژگی افراد با هدف عملکرد - پرهیزی) ممکن است باعث افزایش عواطف منفی در او شود.

در خصوص نقش واسطه‌ای هدف تسلط - پرهیزی نیز می‌توان بیان کرد افراد با هویت مذهبی به دلیل احساس تعلق با محیط و شکل‌گیری حس تعهد برای رشد فردی در زمینه مذهب در آنان، تکالیف را جزئی از خود می‌پندارند و برای اجتناب از شکست و خطا تلاش می‌کنند. بنابراین چنین افرادی در حوزه اهداف پیشرفت نیز جهت‌گیری تسلط - پرهیزی دارند و اگر اهداف پیشرفت به سمت پرهیز از شکست و انجام کامل تکالیف جهت‌گیری شوند، از میزان شادی افراد کاسته خواهد شد.

در پایان با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که نیمرخ پیش‌بینی عاطفه مثبت و عاطفه منفی با یکدیگر تفاوت دارد که این دلیلی است بر روایی مدلی که در آن عاطفه به‌صورت دویعدی، نه به‌صورت یک پیوستار در نظر گرفته شده است.

در مجموع یافته‌های نهایی مدل پژوهش نشان می‌دهد که جهت‌گیری هدف نقش واسطه‌ای مهمی را در رابطه با متغیر ابعاد هویت ایفا می‌کند. براساس مدل بررسی‌شده در این پژوهش می‌توان بیان کرد که محتوای هویت پیش‌بینی‌کننده خوبی برای شادی است، ولی ممکن است بر انگیزه پیشرفت افراد اثر بگذارد و از این طریق در میزان شادی تغییراتی را به وجود آورد.

یادآوری این نکته ضروری است که با توجه به اینکه نمونه

- Kaplan, A., & Maher, M. L. (2007). The contributions and prospects of Goal Orientation Theory. *Journal of Educational Psychology, 19*, 141-184.
- Lavasani, M.G., Weisani, M., & Ejei, J. (2011). The role of achievement goals, academic motivation, and learning strategies in statistics anxiety: testing a causal model. *Procedia Social and Behavioral Sciences, 15*, 1881-1886.
- Lopez, S.J., & Snyder, C.R. (2002). *Handbook of positive psychology*. Oxford university press.
- Luthanen, R., & Crocker, J. (1992). A collective self-esteem scale: Self-evaluation of one's social identity. *Personality and Social Psychology Bulletin, 3*, 302-318.
- Maehr, M.L. (1984). Meaning and motivation. *Research on motivation in education: Student motivation, 1*, 115-144.
- Markus, H., & Kitayama, S. (1991). culture and the self: implications for cognition, emotion and motivation. *Journal of Personality and Social Psychology, 16*, 224-253.
- Markus, H., & Wurf, E. (1987). The dynamic self-concept: A social psychological perspective. *Annual Review of Psychology, 38*, 299-337.
- McInerney, M.D., Roch, A.L., McInerney, V. & Marsh, H.W. (1997). Cultural Perspective on School Motivation: The Relevance and Application of Goal Theory. *American Educational Research Journal, 34*(1), 207-236.
- McInerney, D.M., Hinkely, J., Dowson, M., & Van Etten, S. (1998). Aboriginal, Anglo, and Immigrant Australian Students' Motivational Beliefs about Personal Academic Success: Are There Cultural Differences? *Journal of Educational Psychology, 90* (4), 621-629.
- Midgley, C., Kaplan, A., & Middleton, M. (2001). Performance-approach goals: Good for what, for whom, under what circumstances, and at what cost? *Journal of Educational Psychology, 93*, 77-86.
- Mouratidis, A., Vansteenkiste, M., Lens, W., & Auweele, Y.V. (2009). Beyond Positive and Affect: Achievement Goals and Discrete Emotions in the Elementary Physical Education classroom. *Psychology of Sport and Exercise, 10* (3), 336-343.
- Neisser, U. (1991). Two perceptually given aspects of the self and their development. *Developmental Review, 11*, 197-209.
- Nicholls, J. (1984). Achievement motivation: A conception of ability, subjective experience, task choice, and performance. *Psychological Review, 91*, 328-346.
- Pintrich, P.R., & Garcia, T. (1994). Self-regulated learning in college students: Knowledge, strategies, and motivation. *Student motivation, cognition, and learning, 5*, 113-134.
- Berkowitz, L. (2000). *Causes and consequences of feelings*. West nyack. NY, USA: Cambridge university press.
- Boekaerts, M. (1998). Do Culturally Rooted Self-Concepts Affect Students' Conceptualization of Control over Learning? *Educational Psychologist, 33*(2/3), 87-108.
- Brewer, M.B. & Gardner, W. (1996). Who is This "We"? Levels of Collective identity and Self Representations. *Journal of Personality and Social Psychology, 71*, 83-93.
- Cheek, J.M., Smith, S., & Tropp, L.R. (2002). Relational identity orientation: A Fourth scale for AIQ. *Annual Meeting of Society for Personality and Social Psychology, Boston*.
- Deci, E.L., & Ryan, R.M. (1985). *Intrinsic Motivation and Self-determination in Human Behavior*. New York: Plenum.
- Diener, E. (2000). Subjective well-being: The science of happiness and a proposal for a national index. *American Psychology, 55*, 34-43.
- Dweck, C.S. (1986). Motivational Process Affecting Learning. *American Psychologists, 41*, 1040-1048.
- Elliot, A.J. (1999). Approach and avoidance motivation and achievement Goal. *Educational Psychologist, 34*, 169-189.
- Elliot, A.J., & Harackiewicz, J.M. (1996). Approach and avoidance achievement goal and intrinsic motivation: A mediation analysis. *Journal of Personality and Social Psychology, 70*, 461-475.
- Elliot, A.J., & Church, M.A. (1997). A hierarchical model of approach and avoidance achievement motivation. *Journal of Personality and Social Psychology, 72*, 218-232.
- Ellit, A.J., & McGregor, H. (2001). A 2x2 achievement goal framework. *Journal of Personality and Social Psychology, 80* (3), 501-519.
- Janssen, O., & Prins, J. (2007). Goal Orientations and the seeking of different Types of feedback information. *Journal of Occupational and Organizational Psychology, 80*, 235-249.
- Jiang, S., Lu, M., & Sato, H. (2011). Identity, Inequality, and Happiness: Evidence from Urban China. *World Development, 40* (6), 1190-1200.
- Jorgensen, B.S., Jamieson, R.D., & Martin, J.F. (2010). Income, sense of community and subjective well-being: Combining economic and psychological variables. *Journal of Economic Psychology, 31*, 612-623.
- Holden, K.B., McGregor, B.S., Blanks, S.H., & Mahaffey, C. (2012). Psychosocial, socio-cultural, and environmental influences on mental health help-seeking among African-American men. *Journal of Men's Health, 9*(2), 63-69.

- Soini, H.T., Aro, K.S., & Niemivirta, M. (2012). Achievement Goal Orientations and academic Well-being across the transition to upper secondary education. *Learning and Individual Difference, 22*, 290-305.
- Was, C.A., Harthy, I., Stack-Oden, M., & Isaacson, R.M. (2009). Academic Identity Status and the Relationship to Achievement Goal Orientation. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology, 7* (2), 627-652.
- Watson, D., Clark, L. & Tellegan, A. (1985). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: the PANAS scale. *Journal of personality and social psychology, 54*, 1063-1070.
- Praag, B.V., Romanov, D., & Carbonell, A.F. (2010). Happiness and financial satisfaction in Israel: Effects of religiosity, ethnicity, and war. *Journal of Economic Psychology, 31*, 1008-1020.
- Seligman, M.E.P. (2002). *Positive psychology, positive prevention, and positive therapy*. Handbook of positive psychology. New York: Oxford.
- Sheldon, K.M., & Elliot, A.J. (1999). Goal Striving, Need Satisfaction and Longitudinal Well-being: The Self-concordance Model. *Journal of Personality and Social Psychology, 76*, 482-497.
- Soini, H.T., Aro, K.S., & Niemivirta, M. (2008). Achievement Goal Orientations and Subjective Well-being: A Person-centred Analysis. *Learning and Instruction, 18*(3), 251-266.